

تغییرات جهان به روایت تصویر

آمریکا عصبانی، انگلیس اسلام شناس، اروپا گیج

با سران کشورهای منطقه به مذاکرات آشکار و پنهان می نشستند و گاهی چنان سخن می گفتند که چنین می نمود این موضوع که آمریکا فلان کشور را در کانون هدف های نظامی خود قرار دهد یا ندهد، بستگی به نظر انگلستان دارد!

ابتدا "جک استراو" وزیر خارجه بریتانیا به ایران آمد. بعد به چند کشور دیگر رفت. مذاکراتی کرد، امتیازاتی گرفت و وعده هایی داد. پس از او شخص تونی بلر به خاورمیانه آمد. به مصر رفت، لبخند زد و وعده داد. حتی به یاسر عرفات هم لبخند زد و با او دست داد!

تونی بلر این اقدامات را برای نشان دادن احیای نقش انگلیس در خاورمیانه کافی ندانست و لذا مبادرت به کاری استثنایی کرد. او یک مقاله اختصاصی برای دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در لندن نوشت و ضمن آن نوشت: "اگر در مقابل اسامه بن لادن و رژیم دست نشانده وی در کابل موضع گیری نکنیم، او در صدد براندازی دیگر دولت های اسلامی برخواهد آمد و به جای آنها رژیم ترس و وحشت و نابردبار خواهد نشانند." (این مقاله به طور اختصاصی در روزنامه ایران مورخ ۲۱ مهر

ظاهری آمریکا و انگلیس را برایشان معنا می کرد. برای کارشناسان بسیار عجیب بود که آمریکا بتواند با چنان سرعتی در پاکستان مستقر شود، سرپل نظامی ایجاد کند و افغانستان را با آن وسعت هدف حملات هوایی قرار دهد. این سرعت عمل یا نشان آمادگی حدس نازدنی آمریکا است و یا نشانه آن که برنامه حمله به افغانستان از مدت ها پیش تدارک دیده شده بود.

یک سرعت عمل دیگر هم کارشناسان را حیرت زده کرد: سرعت عمل انگلیسی ها در احیای نقش تعیین کننده شان در خاورمیانه!

انگلیسی ها که از میانه دهه ۱۹۷۰ میلادی جای خود را در خاورمیانه (به اجبار) به آمریکایی ها سپرده بودند، بلافاصله پس از یازدهم سپتامبر در هیأت و هیبت یک نیروی تعیین کننده بار دیگر در عرصه خاورمیانه فعال شدند.

در همان روزهایی که دولتمردان آمریکا به دنیا چنگ و دندان نشان می دادند و جهانیان را به دو گروه دوست و دشمن تقسیم می کردند، مقامات انگلیسی با لبخندی بر لب و نیت پنهانی در سر، بین لندن و پایتخت های خاورمیانه در رفت و آمد بودند.

روز بیستم شهریور امسال (یازدهم سپتامبر) در چشم برهم زدنی، وضع دنیا دگرگون شد. مردم عادی این دگرگونی را احساس نکردند و شاید تا مدتی دیگر هم متوجه ابعاد عمیق زیوروشدن اوضاع سیاسی جهان نشوند، زیرا آن ها علاوه بر این که از مجاری خاصی فقط "خبر" ها را دریافت می کنند و جز از سطح رویدادها آگاهی نمی یابند، به دلیل مشغله روزمره و گرفتاریهای شغلی و خانوادگی، فرصت تعمق در رویدادها را ندارند. حوادث بعد از یازدهم سپتامبر نیز مشمول همین تعریف می شود.

جهانیان از مجاری خبری (رادیو - تلویزیون و مطبوعات) خواندند آمریکا که اسامه بن لادن و طالبان را مسؤوول عملیات تروریستی می داند، قصد حمله به افغانستان را دارد. هنوز این خبر در حافظه آنها جا نگرفته بود که نیروهای آمریکایی و انگلیسی در پاکستان مستقر شدند و بمباران افغانستان را آغاز کردند. از بقیه تحولات و رویدادها نیز همگان کمابیش آگاهی دارند.

اما کارشناسان در فراسوی این ماجراها، شاهد رویدادهای دیگری هم بودند که تحرکات

جرج بوش:

تروریست ها و کشورهای حامی آنها را نابود می کنیم. کشورها یا ما هستند یا با تروریست ها.



همایشی با عنوان "عکس العمل‌های اسلامی در برابر تروریسم" را برگزار می‌کرد حضور یافت و در کنار سید عبدالمجید خویی و شیخ فضل سہلانی عکس‌هایی تاریخی گرفت!
و چنین بود که عده‌ای گفتند: انگلیس در صد و اعیای قدرت از کف رفته‌اش در خاورمیانه است. عده‌ای هم چنین نظر دارند که انگلیس و روسیه به

بسیاری، از جمله احترام به حق زیست، شریک هستیم. همان طور که حضرت محمد (سلام و تحیات بر او باد) به لشکریان خود یادآور شد "زنان و کودکان و غیررزمندگان و پیران و رجال دین را نکشید..." اقدام بعدی تونی بلر حضور در بنیاد خویی (وابسته به مرحوم آیت الله العظمی خویی) در لندن بود. وی به طور غیرمنتظره‌ای در این بنیاد که

ماه چاپ شد). آقای بلر همچنین در نقش یک اسلام شناس ظاهر شد و مقاله‌ای برای روزنامه‌های عرب زبان نوشت. گرچه آقای بلر با فروتنی انگلیسی مآبانه خود در صدر مقاله یادآور شد خود را اسلام شناس نمی‌داند، اما در یک فرآیند پایین تر، خطاب به مسلمانان خاورمیانه نوشت: "من می‌دانم ما در ارزش‌های



کالین پاول، روزهای نخست، حرف‌های رییس جمهور بوش را تکرار می‌کرد اما وقتی دید انگلیسی‌ها چه برنامه‌هایی را اجرامی کنند رفتارشان را تعدیل کرد و گفت: ایالات متحده باید برای بهبود بخشیدن به وجهه‌اش در جهان اسلام، تلاش کند.



جک استراو در کنار خرازی وزیر خارجه کشورمان. او زودتر از نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس به منطقه رسید!

دونالد رامسفلد (وزیر دفاع آمریکا)، هرمانعی را از سر راه برمی‌داریم.



تونی بلر در راه قاهره، در خود قاهره و در حال ابراز وجود برای رهبران کشورهای خاورمیانه.



رهبران فرانسه (وارویا) بهت زده شدند. شیراک و ژوسپن را در روز بیست و یکم مهر، قبل از ورود به جلسه هیأت دولت می بینیم.



عکس مونتازی نیست. ژنرال پرویز مشرف به احتمال زیاد برای صاف کردن موهایش دست را به سر می کشد، اما شاید حق داشته باشید تفسیر کنید که وی به کالین پاول می گوید: دیدی با خلق طالبان چه خاکی بر سرمان ریختیم؟



توفی بلر عرفات را نوازش می کند و مورد لطف قرار می دهد!



جیانگ زمین خطاب به بوش: از مواضعمان عدول نمی کنیم.

آورد، همان حرفی است که قبلاً هم بارها بر آن تأکید کرده بود: چین از سیاست چین واحد عدول نخواهد کرد... و تایوان بخشی از خاک چین است. در این میان، بی خاصیت ترین نقطه جهان ساختمانی در نیویورک بود. ساختمان سازمان ملل که کوفی انان گیج و مات در آن برای حفظ صلح دعا می کرد. فقط دعا!

باری وضعیت دنیا بعد از ۱۱ سپتامبر چنان بود که اگر یک فرد کروال هم به تصاویر رهبران جهان نگاه عمیقی می انداخت، می توانست به راحتی بفهمد آمریکایی ها عصبانی هستند و هرکاری از دستشان بر می آید، انگلیسی ها سرگرم ماهی گرفتن هستند، فرانسوی ها و آلمانی ها گیج شده اند و ... ما تعدادی از این عکس ها را که همگی به وسیله خبرگزاری های رویتر و آسوشیتد پرس مخابره شده (و مربوط به روزهای ۲۰ تا ۲۴ مهر است) عرضه کرده ایم. دقت در این عکس ها می تواند به بیننده، بیش از ده ها تحلیل و تفسیر سیاسی، اطلاعات و آگاهی منتقل کند.

هندی ها مقامات عالی رتبه آمریکا را پذیرا شدند، حرف هایشان را شنیدند و حرف های خود را گفتند. رییس جمهور پوتین ضمن آن که از حضور نیروهای آمریکایی در نزدیکی مرزهای کشورش - روسیه - ناخشنود است، اما بی علاقه هم نیست که آمریکا را در یک منجلاب گرفتار ببیند. او فرد مرموزی است که هدف هایش بعدها آشکار خواهد شد. اما چینی ها همان سیاست قاطع را در برخورد با این ماجراها دنبال کردند. مهم ترین حرفی که جیانگ زمین، مرد اول چین، در این مدت بر زبان



واقعا جز دعا کردن چه کار دیگری از کوفی انان ساخته است؟

سیاست خود در عهد ملکه ویکتوریا و تزار نیکولا رجعت کرده اند و قصد دارند در مورد مسایل مربوط به آسیای میانه، خاورمیانه و به طور کلی قسمت های غربی و جنوب غربی آسیا با رعایت تفاهم و احترام به منافع یکدیگر همکاری کنند.

اما اروپاییان غافلگیر شده بودند. فرانسوی ها که سال هاست رهبری غیررسمی سیاسی اتحادیه اروپا را دارند، حداقل یک هفته ای گیج و مبهوت بودند. مقامات آلمانی سردرگمی خویش را با تغییر بی درپی مواضعشان به اثبات رساندند. صدر اعظم این کشور یک شب گفت آلمان در عملیات جنگی با آمریکا همراهی نمی کند. اما صبح روز بعد گفت می کند!

البته اروپاییان سرانجام از بهت زدگی بیرون آمدند و شخصیت ها و هیأت هایی را برای مذاکره و بده - بستان به ایران و دیگر کشورهای منطقه فرستادند. رهبران روسیه، چین و هند هم گرچه یکه خورده بودند، اما خیلی زود خود را بازیافتند.

